

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه

۲۶ اکتوبر ۲۰۲۲



یونس نگاه

حزب سرور و فال غلبیل*

سرور با خانمش سودا خریدن رفته بود. خانم گفت: "سرور، چه روزگاری داشتیم و به چه حال افتادیم ها؟"
سرور که آدم قانع است، گفت: "تشویش نکو، همیالی هم از بسیاریها سرایم. حداقل در کمپ خو نماندیم. شکر با کندک
اولادها، دامادها و نواسه‌هایت به یک ملک پاک و آرام آمدی و زندگی می‌کنی."
خانم گفت: "چه کنیم ای کندک اولادها و نواسه‌ها ره!"
سرور گفت: "ای طو نگو. این کندک سرمایه است. هرکس اولاد، داماد و نواسه‌اش بیشتر باشد، در آینده افغانستان نقش
کلان‌تر خواهد داشت."
خانم گفت: "سرور. دیگه او روزها ره ده خو ببینی. چه می‌کنی با این کندکات؟"
سرور گفت: "حزب می‌سازم! ما و کندک ما میشیم، دوست و اقارب ما، چند تا رفیق بچه‌ها، اقارب دامادها و عروس‌ها
میشن و چند آدم آشنای دیگر را هم در لیست می‌اندازیم و یک حزب می‌سازیم."
خانم گفت: "حزب؟ با حزب چه می‌کنی؟"
سرور گفت: "می‌مانیم. داشته به کار آید. یک روز دیدی که حزب کندک ما در کابل صاحب چند چوکی کلان شد."
خانم گفت: "سرور، کی حزب کندکی ره جدی گرفته که تو شوقک کردی؟"
سرور: "زن! اوقه که حزب کندکی به‌درد می‌خوره حزب سراسری در این روزها به درد نمی‌خوره. نه مصرف داره،
نه جنجال و دویدن، نه حساب‌دهی و کمپاین می‌خایه. سر میز مهمانی خانوادگی حزب می‌سازیم، بر محمد و اهل بیتش
صلوات فرستاده هرکس طرف خانه و اتاق خوابش میره. من فردا اعلامیه نوشته می‌کنم و به جهان اطلاع می‌دم که
حزب ساخته‌ایم."
خانم گفت: "خوب، باز جهان هم جدی می‌گیره؟"

سرور: "جهان پشت حزب جدی نمی‌گردد. حزب هرچه سبک و بی‌جنجال باشه، بیشتر استقبال می‌شه. کی درد سر و حریف دوست داره؟ طالب اگر دولت همه شمول بسازه، به حزبی که آجندای سیاسی داشته باشه، نفوذ سراسری داشته باشه و برای کشور برنامه‌ای ریخته باشه، فرصت خاد داد؟"

خانم چیزی نگفت و سرور خودش جواب داد: "نی. حتی امریکائی‌ها دوست ندارند کسی حزب کلان بسازه. تنظیم و حزب‌های کندکی و خانوادگی ره ترجیح می‌تن."

خانم گفت: "نامش را چه می‌مانی؟"

سرور گفت: "نامش را یک چیز می‌مانیم. یک چیزی که هم مسلمان ره راضی کنه هم خارجی ره."

خانم: "در نام‌گذاری مه شریک باشم. گفته باشم! چند نام انتخاب کو، باز مه فال غلبیل می‌گیرم."

سرور: "نی فال غلبیل دورانش تیر شده. اگر فال گرفتیم، فال قرآن بگیریم."

خانم: "ده معاونتات فال قرآن گرفتی، آخرش ایطو شد. فال غلبیل پخته‌تر است."

خوب چه درد سر بدهم. رفتند کندک را دعوت کردند و حزب را ساختند. چند تا نام کاندید شد. ننه رفته غلبیل آورده فال گرفت. حزب عدالت و آزادی بر آمد.

یادداشت: زبان گویش نوشته آگاهانه ویراستاری نشده است

*- غلبیل زبان گویش غربال